

## نظری فقهی به مسأله بیمه

احمد جمالی زاده

عضو هیأت علمی گروه الهیات دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

گرچه بیمه در شکل امروزی آن پدیده‌ای نو و جدید است لکن دارای سابقه تاریخی ممتدی است که از یاری رساندن به آسیب دیدگان در جامعه بشری آغاز می‌شود بیمه به طور کلی به دو بخش بیمه اجتماعی و بیمه خصوصی، تقسیم می‌شود بیمه اجتماعی از دیدگاه فرهنگ اسلامی دارای مبانی استوار اعتقادی و انسانی و حقوقی و اخلاقی است و از آنجا که بیمه اجتماعی دارای آثار مثبت در عرصه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی می‌باشد مقبولیت و مطلوبیت و مشروعیت دارد و صحت آن مورد انکار هیچ‌یک از دانشمندان اسلامی قرار نگرفته است. بیمه خصوصی از دیدگاه‌های مختلف فقهی و حقوقی و اجتماعی و اقتصادی مورد بحث واقع شده است اغلب موارد بیمه خصوصی از نظر اکثر فقهاء شیعه مشروعیت دارد. بیمه خصوصی نزد بیشتر فقهاء، عقد مستقل و دارای آثار حقوقی ویژه می‌باشد و به نظر عده‌ای از فقهاء بیمه خصوصی تحت برخی عقود معهود فقهی مندرج است در این مقاله مشابهات بیمه در فقه اسلام و حیثاً اندراج آن تحت عناوین مشابه مورد بررسی قرار گرفته است.

مقدمه

بیمه به عنوان یک موضوع جدید و مستحدث از دیدگاه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و فقهی و تأمین امنیت روانی مورد بحث و بررسی

اندیشمندان قرار گرفته است بیمه به شکل امروزی پدیده نو و جدیدی است که در عرصه زندگی بشر معاصر از جایگاه خاصی برخوردار است از نظر موضوع و مورد راه توسعه و کمال را پیموده است. بیمه به صورت ابتدائی چه در شکل بیمه خصوصی و چه در شکل بیمه اجتماعی دارای سابقه تاریخی و ممتدی است تاریخ بیمه با شرکت انسان دریاری رساندن به آسیب دیدگان و نیازمندان براساس حس دیگر یاری و تربیت اخلاقی و دینی آغاز گردیده است بخشی از بیمه که بیمه اجتماعی نامیده می شود در فرهنگ اسلامی دارای مبانی استوار اعتقادی و انسانی و حقوقی است و بیمه خصوصی نیز دارای مشابهاتی در فقه اسلامی است مشروعیت آن موارد که مشابه بیمه خصوصی است مورد اتفاق تمام فقهاء و دانشمندان مسلمان است در این مقاله جهت استدلال و یا تأیید بر مشروعیت بیمه خصوصی، پیرامون مشابهات و سابقه تاریخی بیمه در شکل بیمه اجتماعی و بیمه خصوصی بررسیهایی انجام گرفته با این هدف که ملاک صحت مراد مشابه می تواند. در اثبات مشروعیت و صحت بیمه از نقطه نظر فقهی مورد استدلال قرار گیرد.

بیمه در شکل کلی آن به دربخش تفسیم می شود ۱- بیمه خصوصی ۲- بیمه اجتماعی

در ابتدا تعریفی گذرا از بیمه خصوصی و بیمه اجتماعی و تمایز کلی بین آن دو ارائه می گردد و سپس ریشه های تاریخی و مشابهات بیمه خصوصی در فقه اسلامی. بیان می شود.

#### تعریف بیمه

واژه بیمه در فارسی معادل «آسورانس»<sup>۱</sup> در لاتین و کلمه «تامین» در عربی است و از نظر لغوی به معنای ضمانت یا اطمینان یا ترس و خطر یا حفظ و

نگهداری در برابر حوادثی که بیم وقوع آنها می رود می باشد احیاناً در فتاوی برخی فقها، کلمه «سیکورته» و «سیکورتا» که از سیکوروس<sup>۱</sup> گرفته شده در مورد بیمه به کار رفته است.

بیمه در اصطلاح حقوقی عبارتست از «توزیع و تحمیل خسارت و زیان ناشی از حادثه معین یا غیر معین اتفاقی یا حتمی برای فرد یا افراد یا اموال یا اشیاء به عهده شخص یا اشخاص غیر متضرر»<sup>۲</sup> بیمه به موجب ماده اول قانون بیمه ایران مصرب هفتم اردیبهشت ۱۳۱۶ چنین تعریف شده است «بیمه عقدی است ده به موجب آن یک طرف تعهد می کند در ازای دریافت وجه یا رجوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارات وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی پردازد متعهد را بیمه گر و طرف تعهد را بیمه گزار و جهی را که بیمه گزار می پردازد حق بیمه و آنچه را که بیمه می شود موضوع بیمه می نامند».

بنابر تعریف فوق عناصر و ارکان اصلی بیمه خصوصی عبارتند از:

۱- بیمه گزار: شخصی است که در نزد بیمه گر عواقب ناشی از خطرات معینی را بیمه می کند و در برابر این کار مبلغی یکجا و یا به اقساط به بیمه گر یا موسسه بیمه می پردازد.

۲- بیمه گر: شخص یا مؤسسه ای است که در مقابل وجه یا رجوهی از طرف دیگر متعهد می شود که هنگام بروز، حادثه و خطر، خسارت وارده را به بیمه گزار پردازد.

۳- حق بیمه: عوضی است که بیمه گزار در مقابل تعهد بیمه گر و جبران خسارت احتمالی به اقساط ماهانه یا سالانه می پردازد.

۴- موضوع بیمه: عقد بیمه باید دارای موضوع معین باشد این موضوع همان خطر یا حادثه ای است که محتملاً متوجه مال یا شخص معین می شود و



چنانچه موضوع متفی باشد عقد بیمه به علت نبود موضوع منعقد نخواهد شد .  
 ۵- خسارت یا غرامت: مبلغی را که مؤسسه بیمه گر در صورت وقوع حادثه برای جبران خسارت و ضرر به بیمه گذار طبق قرار داد منعقد به وی می پردازد .

از صورت قرار داد و تعهدات طرفین و تعریف بیمه روشن می شود که بیمه خصوصی یک نوع عقد است و مانند هر عقدی یک رابطه حقوقی دو جانبه است که بین بیمه گزار که خواستار تأمین و ضمانت از سوی بیمه گر که معمولاً مؤسسه بیمه است می باشد منعقد می گردد .

#### بیمه اجتماعی

بیمه اجتماعی ماهیتاً از بیمه خصوصی متمایز است بیمه خصوصی صورت عقد و قرارداد دارد برخلاف بیمه و تأمین اجتماعی که حمایتی است که از طرف حکومت نسبت به نیازمندان و آسیب پذیران و از کارافتادگان و کارگزاران و شاغلان در دوائر دولتی در مقابل برخی حوادث و وقایع و خطرات احتمالی نظیر بیماری، از کارافتادگی پیری و بازنشستگی و بیکاری و فوت انجام می گیرد .

بیمه اجتماعی امروزه به وسیله دولت اداره می شود مبالغ اندکی از طرف افراد پرداخت شده و در عرض، دولت، افراد را در مقابل انواع مختلف مخاطرات و خسارات و ضررهای احتمالی ضمانت و تأمین می نماید در بیمه عمومی و تأمین اجتماعی در مواردی نیز کمک هایی به اشخاص متضرر از صدمات و سوانح و نیازمندان می شود که بلاعوض و مجانی است و چنانچه از طرف افراد و جهی برای بیمه اجتماعی پرداخت شود وجوه حاصله از پرداخت بیمه شدگان به صندوق بیت المال واریز می شود و در مصارف عمومی و اجتماعی از جمله جبران خسارت شخص زیان دیده به مصرف می رسد . از این رو در بیمه اجتماعی مسأله سردبری مطلقاً وجود ندارد برخلاف بیمه خصوصی که ممکن

است در مواردی با انگیزه سودبری و تجاری، جنبه استثماری و انحصاری به ضرر بیمه‌شدگان پیدا نماید.

یکی دیگر از وجوه تمایز بیمه اجتماعی از خصوصی این است که کلیه شرایط در بیمه اجتماعی به صورت یکطرفه تعیین می‌گردد و اصولاً رضایت شخصی افراد به استفاده از تأمین اجتماعی مطرح نیست از این رو بیمه اجتماعی اجباری است و اداره آن توسط حکومت و نظام دولتی انجام می‌پذیرد.

### پیدایش بیمه اجتماعی

در مورد بنیادهای پیدایش بیمه اجتماعی می‌توان گفت از نخستین اجتماعات بشری تعاون و همکاری اجتماعی و کمک به فقرا و اشخاص ناتوان و بیمار وجود داشته است افراد و یا خانواده‌هایی که قادر به تأمین نیازهای مادی و هزینه‌های مربوط به حوادث غیر منتظره نبوده‌اند به نوعی تحت حمایت دیگر افراد فامیل و طایفه و جامعه قرار می‌گرفتند تعاون اجتماعی و اشتراك هر فرد در سود و زیان دیگران، اساس بیمه را تشکیل می‌دهد انسانها بر اساس احساس فطری و ادراک حس زندگی اجتماعی و متأثر بودن از تعلیم و تربیت دینی، سرنوشت خود را با دیگر افراد جامعه مرتبط و پیوسته می‌دانند و از آنجا که زندگی انسانها همواره با مخاطرات طبیعی و اتفاقات و سوانح غیر قابل پیش‌بینی یا قابل انتظار روبرو بوده و هست و انسان از عواقب ناشی از حوادث دچار صدمات مالی و جان‌رسانی می‌گردد و هیچ فردی هر اندازه توانا و دارا باشد به تنهایی قادر به تحمل مشکلات روحی و خسارتهای مالی زندگی خویش نیست، بر اساس حسابگری عقل معیشتی و تعلیمات دینی و مذهبی بر حسب اراده و اختیار سنجیده خود به سوی تعاون و تکافل اجتماعی رومی‌آورد و به جبران خسارت دیگران می‌پردازد تا روزی دیگران به حمایت او برخیزند یا بدون چشمداشت بهره‌مادی از حمایت نسبت به دیگران، بهره‌معنوی ببرد.

گرایش به تعاون و مشارکت در حل مشکلات دیگران در جوامع ابتدائی و سنتی و مذهبی به خوبی نمایان است. در مرگ و میرها و از دست دادن عزیزان و فرزندان و حوادث تلخ، دیگر افراد جامعه به کمک فرد یا افراد صدمه دیده می‌شتابند و بررنجها و دردهای وی مرهم می‌نهند تا چنانچه خود دچار مشکلی شوند دیگر افراد به کمک ری بشتابند در جوامع روستایی و عشایری و قبیله‌ای آداب و رسوم خاصی حاکم است که نشان از این نوع تعاون و همیاری دارد مشارکت در کارهای دیگران مثل کمک دسته جمعی افراد در تأمین هزینه ازدواج و در برداشت محصول، که یک فرد به تنهایی از عهده هزینه آن بر نمی‌آید یک سنت رایج و پسندیده جوامع سنتی است اینان به کمک فرد نیازمند می‌شتابند تا روزی دیگران او را در حل مشکلات یاری دهند احساس نظری به سوی زندگی اجتماعی و تأثیرپذیری انسان از تربیت مذهبی در سوق یافتن به سوی مشارکتهای دسته جمعی همراه با تجربه اجتماعی در رفع بهتر مشکلات زندگی، اساس تعاون و همیاری اجتماعی را تشکیل می‌دهد هر فردی از راه تجربه در زندگی خود درمی‌یابد منافع و بهره‌وری از منابع حیات در پرتو همیاری اجتماعی آسانتر و بیشتر و با دوام‌تر است و انسان از آسایش روحی و روانی بیشتری در مواجهه با خطرات طبیعی و اتفاقات حتمی و غیر حتمی زندگی برخوردار می‌گردد.

#### تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام

تأمین و رفاه نسبی اجتماعی از نظر حقوق اسلامی در واقع حقی از حقوق انسانهاست که بر خورداری از آن را خداوند برای همه انسانهای نیازمند قرار داده است از اینرو رفع نیاز افتادگان و نیازمندان در مقررات مالی اسلام از قبیل پرداخت زکات و انفاق و صدقه و وقف اندیشیده شده است و کمک‌هایی که بر اساس تکلیف و وظیفه شرعی به نیازمندان انجام می‌گیرد تبرّعی و بلاعوض است و



وجهی از آنها دریافت نمی شود.

دستورات و احکام و مقررات اسلام نسبت به اتفاق و ایثار و سرپرستی یتیمان و اطعام بینوایان و ترغیب و تشویق به پرداخت قرض الحسنه و وقف در مصارف عمومی و دستورات اکید در وجوب پرداخت خمس و زکوة و تعیین بخش مهمی از اموال تحت عنوان اموال عمومی و تعیین مصرف آن که عمده نیازمندان و مصارف عمومی جامعه است به جهت اهمیتی است که اسلام به تأمین رفاه عمومی داده است. برحاکم اسلامی واجب است که حقوق و اموال مربوط به بیت المال را گرفته و به همان ترتیبی که خداوند برای فقراء و بینوایان و در راه ماندگان و در راه آزاد کردن بردگان و ورشکستگان و مصارف عمومی مسلمانان مقرر کرده است پردازد.

اصولاً آنچه که از خصلت همیاری در راه نیکی و رفاه عمومی و رفع نیازمادی و معنوی انسانها برخوردار باشد مورد تشریح و تأکید دین اسلام قرار گرفته است.

#### دستورات و احکام و جویی و استجابی

ادیان الهی عموماً و دین اسلام خصوصاً به پیروان خود در یاری رساندن به نیازمندان صادر نموده اند و توصیه‌ها و اندرزهای فراوانی در مورد اتفاق و اطعام و عیادت بیماران در مجموعه معارف دینی به چشم می خورد. در فرهنگ اسلامی جنبه‌های عاطفی و اخلاقی و انسانی جایگاه ارجمند و والائی دارد و احساس مسئولیت همگانی نسبت به یکدیگر و تأمین نیازهای اساسی دیگران و اهتمام ورزیدن به سرنوشت همکیشان مسلمان بلکه همه انسانها یک اصل مهم و شرط مسلمانی خوانده شده است.

بررسی تاریخی نشان می دهد تعارن و کمک به نیازمندان و ستم‌دیده گان و تلاش در حل مشکلات آنها سابقه تاریخی ممتدی در فرهنگ اسلامی دارد جریانی که مورد تأکید پیامبر اسلام (صلی اله علیه و آله وسلم) بود و از آن به عظمت یاد

می نمود پیمان اخلاقی انسانی «حلف الفضول»<sup>۱</sup> است پیامبر قبل از بعثت در آن شرکت داشت و در دین مقدس اسلام، به شکل کاملتری مورد توجه و تأکید و اهتمام قرار گرفت.

«حلف الفضول» نمونه آشکاری از تعاون و همکاری جوانمردان قریش در رفع ستمدیدگان غریب و ناآشنا بود که زیر چتر حمایت انسانهای بافضیلت قرار می گرفتند.

ارزش چنین پیمانهایی در حمایت ستمدیدگان و جبران خسارات آن به روشنی از کلام رسول خدا مشهود است. همچنین رسول اکرم (ص) نخستین اقدامی که در ایجاد و تشکل نظام سیاسی اسلام در بدو ورود به مدینه انجام دادند معاهده و قراردادی بود که بین مسلمانان مهاجر و انصار و بین طوائف انصار و بین مسلمانان و پیروان دین یهود ساکن در مدینه و اطراف آن منعقد نمودند و از آن به عنوان اولین قانون اساسی مکتوب نام برده می شود.<sup>۲</sup>

در آن عهدنامه اموری در جهت تحکیم جامعه نوپای اسلامی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است یکی از فرازهای آن عهدنامه که متضمن تکافل اجتماعی و مشارکت دستجمعی می باشد چنین است.

۱- جربانی که موجب بسته شدن پیمان حلف الفضول شد بدین شرح است:

«مردی از بنی زبید کالایی به عاص بن وائل سهمی فروخت، عاص کالا را تحویل گرفته بود و بهای آن را نداد مرز زبیدی ناچار بالای کوه ابوقیس رفت و فریاد برآورد و با خواندن اشعاری قریش را به کمک خود طلبید که به دور از طایفه و کسان خویش در داخل شهر مکه، کالای او را به ستم برده اند پس بنی هاشم و بنی عبدالمطلب بنی عبدمناف و بنی زهره و بنی یتیم و بنی حارث در خانه عبدالله بن جُدعان جمع شدند و پیمان بستند که البته برای یاری هر ستمدیده. و گرفتن حق وی همه استان باشند و اجازه ندهند که در مکه بر احدی ستم شود رسول خدا (ص) بیست ساله و به قول یعقوبی از بیست سال گذشته بود که در جلف الفضول شرکت کرد از رسول خدا (ص) روایت شده است که پس از بعثت و هجرت به مدینه گفت:

«لقد شهدت حلفاً فی دار عبدالله بن جدعان لو دُعِبْتُ الی مثلہ لآجبتُ و ما زادہ الا سلام الا تشدیداً

ترجمه: در سرای عبدالله بن جدحان در پیمانی حضور یانتم اگر در اسلام هم به مانند آن دعوت می شدم اجابت می کردم و اسلام جز استحکام چیزی بر آن نیفزوده است.

۲- تاریخ پیامبر اسلام - دکتر آینی ص ۶۶ و ۶۷



«ان المؤمنین لا یترکون مفرحاً بینهم ان یعطوه بالمعروف فی فداء او عقل»<sup>۱</sup>  
 ترجمه «مؤمنان هیچ فردی را که در اثر فشار قرض از پا در آمده است نباید  
 به حال خود واگذارند و براساس عدالت و نیکوکاری در فدیة آزادی اسیران و  
 پرداخت دیه و خونبها به او کمک نمایند»

براساس مفاد قرار داد مذکور مؤمنان باید به صورت گروهی و جمعی  
 در پرداخت خونبها و فدیة آزادی اسیران مشارکت نمایند.

بدین ترتیب می بینیم سیستم قدیم بیمه های اجتماعی که در آن نوعی  
 همیاری و مشارکت در رسیدگی به امور ناتوانان وجود دارد از نخستین روزهای  
 تأسیس جامعه اسلامی مورد تأکید پیامبر اسلام بوده است و با وضع احکام و  
 مقررات گسترده در همین موضوع توسعه یافت.

بیمه اجتماعی به دلیل اینکه آثار مثبت در ایجاد تعادل اجتماعی و اقتصادی و  
 زمینه سازی ارتقاء فرهنگی و ایجاد آرامش روانی در بردارد و هدف واقعی آن  
 تأمین رفاه اجتماعی و تضمین سعادت همه افراد جامعه است و پی آمدها و تبعات  
 منفی نیز ندارد و احیاناً شبهات و ایرادهایی که بر بیمه خصوصی وارد است که  
 ماهیتی عقدی و قراردادی دارد و انگیزه سودبری در آن هست و آن اشکالات  
 بر بیمه اجتماعی وارد نیست از اینرو صحت و مشروعیت بیمه اجتماعی از دیدگاه  
 فقه اسلامی پذیرفته شده است و از طرف علماد و حقوق دانان مسلمان شیعه و  
 سنی کمترین بحث و نزاعی در صحت آن وجود ندارد و مطلوبیت و مشروعیت آن  
 اتفافی و اجماعی است.

#### مشابهت بیمه در فقه اسلامی

بیمه خصوصی از آن جهت که ماهیتی عقدی دارد و عقد و قرار داد از نظر  
 فقه و حقوق اسلام باید دارای شرایط خاصی باشد تا صحت و مشروعیت آن مورد

امضا قرار گیرد لذا بیمه به عنوان عقد مستقل و انطباق و عدم انطباق عمومات عقود و شرایط شرعی بر آن مورد بحث و بررسی فقها و دانشمندان مسلمان قرار گرفته است.

غالب دانشمندان اهل سنت بر عدم مشروعیت بیمه خصوصی فتوی داده اند ولی اغلب فقهاء شیعه اکثر موارد و اقسام بیمه خصوصی را مطابق موازین فقهی تشخیص داده و به صحت آن فتوی داده اند.

از آنجا که در فقه و شریعت اسلام مواردی اجماعی مطرح است که شباهت فراوان به بیمه خصوصی دارد برخی از فقها مشروعیت بیمه را با آن موارد مقایسه نموده و با تمسک به آن موارد برای صحت بیمه استدلال نموده و یا حداقل تأیید فقهی بر صحت بیمه آورده اند تبیین آن موضوعات که در ذیل چندین عنوان در مباحث فقهی مطرح است به شرح زیر انجام می گیرد.

#### ۱- ضمان عاقله ۲- ضمان جریره:

بررسی و تحقیق در این موضوع گویای این نکته است که در شریعت اسلام، اصل بیمه خصوصی به نوعی پذیرفته شده است.

#### ضمان عاقله

یکی از اصطلاحات مطرح در فقه اسلامی در مبحث دیات «ضمان عاقله» است از تعهد پرداخت دیه از جانب گروهی خاص که از نزدیکان فرد محسوب می شوند به ضمان عاقله تعبیر می شود در فقه اسلامی قتل غیر عمدی مسرئیت مدنی دارد بدین معنی که اگر کسی از روی خطا مرتکب قتل شود باید مبلغی به عنوان ضرر و زیان قتل که به اصطلاح شرعی «دیه» نامیده می شود به بازماندگان مقتول که اصطلاحاً ولی دم نامیده می شوند پرداخت کند اگر قتل، عمدی باشد کس دیگری جز قاتل مسئولیت پرداخت دیه را ندارد ضمان عاقله از ستهای مرسوم قدیم عرب جاهلی بوده است که پیش از اسلام انواع قتل ها و جایات

عمدی و غیر عمدی را شامل می‌شد ولی اسلام فقط آنرا در مورد قتل‌های غیر عمدی و خطایی پذیرفت عاقله که در صورت وقوع قتل خطایی از طرف قاتل پراخت کننده غرامت قتل هستند در شرایطی از قاتل ارث می‌برند

از این‌تر به عقیده بسیاری از دانشمندان مسلمان، نظام عاقله شباهت زیادی با بیمه دارد. و کاملاً شبیه بیمه مسئولیت و شخص ثالث<sup>۱</sup> است که در محدوده کوچک خانوادگی برقرار است

جهت تبیین مشابهت این موارد با بیمه لازم است توضیحی درباره مفردات اصطلاحات فقهی مورد نظر داده شود. ضمان به طور کلی بردو قسم است.

### ۱- ضمان عقدی ۲- ضمان قهری

ضمان عقدی براساس تعهد و پذیرفتن شخص ضامن تحقق می‌یابد که پرداخت دین یا احضار انسانی را برای دیگری تعهد می‌نماید در این نوع ضمان عنصر اراده و اختیار فرد در تعهد او دخالت دارد. این نوع ضمان، ضمان به معنای اخص، حواله و کفالت را، شامل می‌شود.

ضمان قهری براساس قلم و اعتبار شارع مقدس به ثبوت اعتبار چیزی در زمه کسی تحقق می‌یابد ضمان قهری موجباتی چون غضب و استیلاء بد بر مال دیگری، اتلاف، تعدی و تفریط... دارد چنانچه شخصی غاصبانه بر مال دیگری تسلط پیدا کند یا مال دیگری را حتی بدون قصد اتلاف هدر دهد و از بین ببرد و یا در مال غیر امانی دیگران به گونه‌ای عمل کند که آن مال تلف شود یا تعدی و افراط یا کوتاهی و تقصیر و تفریط نماید که موجب تلف مال امانی شود چنین شخصی خراه ناخواه ضامن آن مال است و باید مثل یا قیمت آن را به صاحب آن مال بپردازد این نوع ضمان که براساس اعتبار شارع جعل شده است ضمان قهری

۱- بیمه مسئولیت عقدی است که بیمه گر متعهد پرداخت خسارت وارده از ناحیه بیمه گزار بر اشخاص دیگر می‌باشد موضوع بیمه مسئولیت خسارتی است که شخص بواسطه ارتکاب غیر عمدی بر دیگران وارد می‌آورد و شرکت بیمه در چنین حالتی خسارت وارده می‌پردازد. در بیمه مسئولیت بیمه گر، لطمه و خسارت وارده بر شخص ثالث متضرر را جبران می‌کند.



نامیده می شود. ضمان دبه یکی از موارد ضمان قهری است که در صورت جنایت و قتل خطایی متحقق می شود.

### ضابطه جنایت خطائی

بطور کلی قتل یا جنایت بر سه قسم است ۱- قتل یا جنایت عمد ۲- قتل یا جنایت شبه عمد ۳- قتل یا جنایت خطائی قتل عمد در جایی است که قاتل قصد عمل مجرمانه داشته باشد چه وسیله آن، سلاح و ابزار جنایت و قتل باشد یا نباشد لکن قتل واقع شود قتل عمد دو گونه محقق می شود ۱- شخص قصد زدن و کشتن داشته باشد و با ابزار قتل به قصد کشتن، دیگری را مضروب می سازد او کشته می شود. ۲- بدون قصد قتل با وسیله و ابزار قتل که غالباً کشنده است دیگری را مضروب و مصدوم می سازد و او می میرد گرچه ضارب کشتن را قصد نکرده است مثلاً فردی را از بلندی می اندازد و او می افتاد و می میرد.

۲- قتل شبه عمد در جایی است که جانی قصد قتل و عمل جانیانه ندارد لکن قتل واقع می شود او فقط قصد عملی را دارد که غالباً کشنده نیست ولی مضروب می میرد فاعل در این صورت فقط در کارش که زدن با ابزار غیر کشنده می باشد عامد است قصد زدن دارد وسیله او ابزار قتل نیست و قصد کشتن نیز ندارد کسی را برای تأدیب یا شوخی یا مانند اینها می زند و مضروب می میرد مثلاً ناظم مدرسه، دانش آموز را به قصد تأدیب با ترکه کف دستی می زند و او می میرد. در قتل شبه عمد فاعل قصد فعل دارد ولی قصد قتل ندارد.

۳- ضابطه قتل خطایی آنستکه شخص نه قصد زدن فرد را دارد و نه قصد کشتن او را بلکه فاعل نسبت به دیگری قصد دارد مثل اینکه شخص قصد زدن به پرنده ای یا شخص دیگری را دارد اما تیر یا وسیله قتل او به انسانی اصابت می کند و او می میرد و یا مثلاً فردی در هنگام راه رفتن می لغزد و به دیگری برخورد می کند و او را می اندازد و می میرد در قتل خطایی فاعل نسبت به مقتول نه قصد

فعل دارد و نه قتل او را.

انواع قتل هر کدام احکامی خاص دارد که در مبحث قصاص و دیات در فقه مذکور و مسطور است آنچه مربوط به عاقله می باشد قتل خطایی است در قتل غیر عمدی دیه و خونبها بر عاقله است.

#### عاقله کیست؟

عاقله از کلمه «عقل» اشتقاق یافته است و به معانی «بستن» و «منع» و «دیه و خونبها» به کار رفته است در بحث ضمان عاقله، عاقله به معنی پرداخت کننده دیه است و شاید پرداخت کننده دیه را از آنجهت عاقله گفته اند که شتر دیه را در خانه ولی دم مقتول عقاب می کنند و یا آنکه قاتل را از نظر اخلاقی از قتل منع می نماید یا کسان مقتول را از انتقام منع می کند و یا اینکه از قاتل تحمل دیه می نماید<sup>۱</sup> اینک بعضی می پندارند عاقله در اینجا در مقابل مجنون و دیوانه است اشتباه است، عاقله یک اصطلاح خاص فقهی است و به کسی که دیه و خونبهای مقتول را می پردازد اطلاق می شود.

عاقله بر حسب ترتیب مذکور در مبحث ارث عبارتند از ۱- عَصَبَه ۲- مُعْتَق ۳- ضامن جریره ۴- امام

نزدیکان ذکوری که از جانب پدر به انسان نسبت داشته باشند اصطلاحاً «عصبه» نامیده می شوند عصبه شامل پدران و اجداد و فرزندان و برادران پدری و فرزندان آنها و عموها و عموزاده ها می باشد نزدیکان مادری مثل خاله و دایی و فرزندان آنها را در بر نمی گیرد عصبه هر خویشی است که به واسطهٔ مرد به میت منسوب شود این گروه از نزدیکان را از آنجهت عَصَبَه نامیده اند که وی را از لحاظ خانوادگی احاطه نموده اند و عصبه را از آنجهت عاقله نامیده اند که باید دیهٔ قتل خطایی را که جانی مرتکب شده است و همچنین دیه در مورد جراحات غیر از قتل

از جراحت «موضحه»<sup>۱</sup> به بالا را پردازد. البته در مرتبه نخست عاقله شامل بستگان مذکور که عاقل و بالغ و ثروتمند باشند می شود چنانچه عصبه توانایی پرداخت دیه را نداشته باشند تعتق و پس از آن ضامن جریره و سپس امام بر نظام ترتیب ارث بری برحسب حکم شارع مقدس ملزم و متعهد پرداخت دیه هستند.

#### ولاء عتق

یکی از موارد عاقله، مُعتق است که در نقه تحت عنوان ولاء عتق از آن بحث می شود، عتق به معنای آزاد کردن است و لاء عتق بدین معناست که هرگاه کسی بنده خود را با شرائطی آزاد کند چنانچه آن بنده پیش از آزاد کننده بمیرد آزاد کننده (مُعتق از وی ارث می برد) شرائطی که در تحقق عنوان «ولاء عتق» دخالت دارد عبارتست از:

- ۱- بنده خود را از روی رضایت و رغبت و استحباب عمل، آزاد کرده باشد نه به عنوان تکلیف واجب مثل کفاره و نذر که برعهده او قرار گرفته است.
- ۲- هنگام آزاد کردن او، خود را از جنایات صادره از وی بریء نموده باشد چنانچه شرط سقوط ضمان نسبت به جنایات وی نموده باشد از او ارث نمی برد.
- ۳- وارثی جز کسی که او را آزاد کرده نداشته باشد.

بنابه شرط دوم چنانچه منعم یعنی کسی که او را از اسارت نعمت آزادی بخشیده و مُعتق نیز نامیده می شود نسبت به جنایات صادره از وی شرط سقوط ضمان نموده باشد وی ضامن خسارات صادره از ناحیه فرد آزاد شده است و

۱- موضحه جراحی است که گوشت را پاره کند و استخوان را پدیدار سازد و پنج شتر دیه آنست،

نقل از جواهر الکلام جلد ۴۲ - بحث دیات.

۲- جواهر الکلام جلد ۳۹ ص ۲۲۲



از جراحت «موضحه»<sup>۱</sup> به بالا را پردازد. البته در مرتبه نخست عاقله شامل بسنگان مذکور که عاقل و بالغ و ثروتمند باشند می شود چنانچه عصبه توانایی پرداخت دیه را نداشته باشند تعق و پس از آن ضامن جریره و سپس امام بر نظام ترتیب ارث بری بر حسب حکم شارع مقدس ملزم و متعهد پرداخت دیه هستند.

#### ولاء عتق

یکی از موارد عاقله، مُعتق است که در فقه تحت عنوان ولاء عتق از آن بحث می شود، عتق به معنای آزاد کردن است و لاء عتق بدین معناست که هرگاه کسی بنده خود را با شرائطی آزاد کند چنانچه آن بنده پیش از آزاد کننده بمیرد آزاد کتنله (مُعتق از وی ارث می برد) شرائطی که در تحقق عنوان «ولاء عتق» دخالت دارد عبارتست از:

- ۱- بنده خود را از روی رضایت و رغبت و استحباب عمل، آزاد کرده باشد نه به عنوان تکلیف واجب مثل کفاره و نذر که بر عهده او قرار گرفته است.
- ۲- هنگام آزاد کردن او، خود را از جنایات صادره از وی بریء نموده باشد چنانچه شرط سقوط ضمان نسبت به جنایات وی نموده باشد از او ارث نمی برد.
- ۳- وارثی جز کسی که او را آزاد کرده نداشته باشد.

بنابراین شرط دوم چنانچه منعم یعنی کسی که او را از اسارت نعمت آزادی بخشیده و مُعتق نیز نامیده می شود نسبت به جنایات صادره از وی شرط سقوط ضمان نموده باشد وی ضامن خسارات صادره از ناحیه فرد آزاد شده است و

۱- موضحه جراحی است که گوشت را پاره کند و استخوان را پدیدار سازد و پنج شتر دیه آنست،

نقل از جواهر الکلام جلد ۴۲- بحث دیات.

۲- جواهر الکلام جلد ۳۹ ص ۲۲۳

چنانچه فرد آزاد شده قبل از معتیق بمیرد کسی که او را آزاد نموده است از وی ارث می برد. بین ارث بری معتق از فرد آزاد شده و ضمان جنایات او نسبت به خطاهای فرد آزاد شده شرعاً هماهنگی و تلازم وجود دارد اگر یک طرف ارث می برد متقابلاً ضامن خسارات ناشی از خطای او نیز هست این ویژگی و خصوصیت شباهت «ولاء عتق» با بیمه را می رساند همانگونه که بین پرداخت حق بیمه به مؤسسه استفاده از تسهیلات مؤسسه بیمه گر تلازم وجود دارد.

### ضمان جریره<sup>۱</sup>

جریره به معنای جنایت است و ضمان جریره عبارتست از اینکه کسی با رضایت و میل خودش با دیگری پیمان می بندد و او را ولی خود می گیرد تا دیه او را پردازد و ضامن جنایات احتمالی و خطائی او بشود و در قبال این تعهد از وی ارث ببرد پیمان ضمان جریره که بین دو نفر بیگانه بسته می شود بدین صورت است یکی به دیگری می گوید با تو پیمان می بندم که مرا یاری کنی و من ترا یاردی دهم و از من شر دشمن را منع کنی و من از تو شر دشمن را دفع کنم و دیه مرا پردازد و من دیه ترا پردازم و تو از من ارث بری و من از تو ارث برم و دیگری قبول کند و لاء ضمان جریره پیمانی است که در عهد جاهلیت معمول بوده که بر اساس آن افراد از یکدیگر ارث می بردند و در مواردی فردی که می خواست نزدیکانش را از ارث محروم نماید با بیگانه ای پیمان و لاء ضمان جریره می بست این پیمان شامل مسلمان و کافر می شد و احیاناً خویشان و نزدیکان و فرزندان میت را از ارث محروم می ساخت.

کلیت آن در تمام موارد مورد امضاء دین اسلام قرار نگرفت این پیمان با آیه مهاجرت و سپس آیه «اولوالارحام»<sup>۲</sup> باطل اعلان شده است بدین معنی که ضمان

۱- یک طرف گوید: عاقد تک علی ان تصرنی و انصرک و تمنع عنی و امنع عنک و تعقل عنی و اعقل عنک و ترثنی و ارثک فیقول الاخر قبلت. جواهر الکلام ص ۲۳ جلد ۲۲۵.

۲- سوره انفال آیه ۷۲ و ۷۵.

برین دیه آن صورت که در بین اعراب جاهلی مرسوم و معمول بوده است از نظر شارع مقدس اسلام پذیرفته نشد و فقط مواردی از ولاء ضمان جریره را اسلام امضاء و تثبیت نمود که اولاً فرد متوقی و ارث دیگری از طبقات سابق از فرزندان و نزدیکان و ولاء عتق نداشته باشد ثانیاً ضمانت وی به فرد دیگر فقط در جنایات و جراحات خطایی و غیر عمدی وی پذیرفته شده است. بامقیسه ضمان جریره با بیمه، این نکته روشن می گردد که ضمان جریره شباهت زیادی با بیمه دارد بلکه نوعی بیمه مسئولیت است که اسلام آنرا تأیید نموده است.

همانگونه که گفته شد ضمان جریره پیمان و عقدی اختیاری است که دو نفر با یکدیگر آنرا منعقد می سازند در مقابل اینکه یک طرف از دیگری ارث می برد باید تعهد کند که خسارات وارده بر طرف دیگر را چنانچه از روی اشتباه و غیر عمد رخ دهد بپردازد و این تعهد و پیمان عیناً بیمه مسئولیت و بیمه شخص ثالث است.

#### چرا دیه بر عاقله است

با بررسی موارد ضمان عاقله از آنجهت که بک نوع تلازم شرعی در ضمان عاقله در مبحث پرداخت دیه و ارث بردن عاقله وجود دارد می توان از آن به نظام عاقله تغییر نمود جهت تبیین موارد شباهت این نظام با نظام بیمه و تکمیل این مبحث که علت الزام و تحمیل پرداخت دیه بر عاقله چیست؟ با توجه به مباحث گذشته می توان گفت منشأ حکم به ثبوت دیه بر کسی دوگونه می تواند باشد

۱- ثبوت اختیاری ۲- ثبوت قهری.

ثبوت اختیاری همانند آنچه در ضمان جریره وجود دارد که بر اساس تعهد و نزار داد طرفین ناشی از اراده و میل آنها تحقق می یابد و ثبوت قهری همانند آنچه در ضمان عاقله، شارع مقدس به ثبوت دیه بر عاقله حکم نموده است همانگونه که بیان شد در کنار این نوع مقررات که به ضرر این افراد است و اینها بر اساس تعهد خود یا الزام افراد شارع باید دیه و خونبهای مقتول را از جانب قاتل به ولی دم



پیردازند مقررات دیگری به نفع همان وجود دارد مثلاً برای عاقله در باب ارث به عنوان «عَصَبَه» امتیاز مثبتی قرار داده شده است که از فرد متوفی ارث می‌برند البته در فقه اهل سنت در کنار سایر وارثان، ارث می‌برند<sup>۱</sup> و در فقه شیعه بر حسب ترتیب طبقات مذکور در باب ارث، ارث می‌برند<sup>۲</sup> و در مورد ضمان جریره، نیز چنانچه طبقات سابق ارث وجود نداشته باشد نوبت به ضامن جریره می‌رسد هم در ضمان عاقله و هم در ضمان جریره، امتیاز مثبت و منفی در کنار هم قرار داده شده است اگر در موردی باید خسارت پیردازند در جای دیگر منفعتی به آنها می‌رسد.

جواب این سؤال که چرا دبه را در قتل خطایی خود قاتل نپردازد و دیگران باید پیردازند؟ از بررسی و توجه به این نکته روشن می‌شود.

افرادی که پس از مردن فردی و ارث اموال وی می‌شوند در مقابل این منفعت تعهدی نیز دارند که شارع مقدس اسلام برای وارث در مقابل ارث و منفعتی که می‌برد قرار داده است و دو نوع مقررت مثبت و منفی «ارث بردن» و «تعهد پرداخت دبه» در مورد این افراد و طبقات قرار داده است و در مقایسه این مقررات با نظام بیمه می‌توان گفت: ارث بردن اینان به عنوان یک حق بیمه اعتبار می‌شود در ضمان عاقله و ولاء امام اجباراً تلقی شده است و در ولاء عتق رضمان جریره بر حسب اراده و اختیار به منتضای مضمون عقد و قرار داد طرفین، مورد امضاء و تأیید شارع قرار گرفته است حقی که اینان به عنوان ارث از آن بهره‌مند می‌شوند باید در قبال چیزی باشد که بدان متعهد شوند و آن تعهد پرداختن خسارت‌هایی است که بدون عمد و ناگهانی متوجه انسان می‌شود که اینگونه وارثان باید آنرا پیردازند.

گرچه این دو از نظر تحقق و واقع شدن نسبت به یکدیگر احتمالی است

۱- التاج الجامع للاصول جلد ۲ ص ۲۵۵. ۲- بیانها شریعه، تعهدات و اقسامها ص ۲۰۲-۲۰۳.

۲- المختصر النافع ص ۲۶۵.

یعنی نه فوت آن فرد قبل از عاقله یقینی است تا عاقله از او ارث برد و نه توجه خسارت بر فرد ارث برنده یقینی است و وقوع هر دو احتمالی است لکن اصل این قرار داد و جعل امتیاز مثبت و منفی در مقام قانونگذاری نشانگر آنست که یک نوع تلازم در تشکیلات و نظام قانونی اسلام وجود دارد که منفعت و خسارت در قبال یکدیگر قرار دارند و به اصطلاح، قاعده معروف «من له الغنم - فعليه الغرم»<sup>۱</sup> در نظام حقوقی و مالی بر حسب مورد رعایت شده است. و تعهدها و قرار دادهایی که مورد امضای شارع یا مستقیماً مورد جعل شارع قرار گرفته است شبیه یک دستگاه منظم عمل می کند که شباهت فراوان با بیمه دارد و در بعضی موارد کاملاً منطبق با صنعت بیمه امروزی است از اینرو به عقیده برخی از فقهاء ضمان جریره جمیع ارکان بیمه را که شامل ایجاب و قبول و موضوع بیمه (شخص یا مال و نظایر آن) بیمه گر، بیمه گزار، مبلغ بیمه همچنین خطر مورد بیمه می باشد داراست این دسته از فقهاء بیمه را با عقد ضمان جریره مقایسه نموده و به صحت آن فتوی داده اند.<sup>۲</sup>

۱- کسی که بر خودار از منفعت و غنیمت است باید غرامت را نیز بپردازد.

۲- المسائل المستحدثة آية... روحانی.

